

فصلنامه تاریخ اسلام

سال پنجم، بهار ۱۳۸۳، شماره مسلسل ۱۷، ص ۷۹ - ۹۴

رسمی شدن کیش اسماعیلیه و تأثیرات آن در مصر عصر فاطمی

دکتر فاطمه جان احمدی*

فتح مصر در سال ۳۵۸ قمری به رهبری المعزالدین الله چهارمین امام خلیفه فاطمی و با همت و تلاش جوهر صقلی سردار وفادار وی به بار نشست. به دنبال انتقال مرکز خلافت فاطمیان از مغرب به مصر و تأسیس نهادهای علمی و مذهبی جهت ترویج کیش اسماعیلیه این مذهب در مصر رسمیت یافت و مدت ۲۰۹ سال سایه‌های اقتدار سیاسی و مذهبی خلافت فاطمیان بر مصر و مناطق تحت سلطه گسترانیده شد.

دیرپایی و استمرار خلافت فاطمیان و تثبیت ارکان قدرت سیاسی و نظامی ایشان که ارتباط تنگاتنگی با رسمیت یافتن مذهب اسماعیلیه داشته است، این سوال اساسی را پیش می‌آورد که رسمیت یافتن کیش اسماعیلیه چه تأثیری بر ساختار قدرت خلافت فاطمیان داشته است؟

در این مقاله تلاش شده است که در دو حوزه نظر و عمل ضمن پرداختن به تأثیرات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مذهب اسماعیلیه، نتایج و پیامدهای رسمی شدن این کیش در مصر بررسی گردد.

واژه‌های کلیدی: مصر، اسماعیلیه، فاطمیان، المعز لدین الله، قاهره، الازهر.

* استادیار گروه تاریخ - دانشگاه الزهراء.

فتح مصر در سال ۳۵۸ قمری / ۹۷۹ میلادی توسط سردار فاطمی جوهر صقلی،^۱ و تأسیس دارالهیجرة القاهرة المعزیه،^۲ سرآغاز جدایی تاریخی خلافت عبیدیان مغرب از فاطمیان مصر بود.^۳ بنا بر آرای محققان تاریخ فاطمیان، فعالیت فقهی و جدی علمای اسماعیلیه با عزیمت المعز لدین الله، چهارمین امام خلیفه فاطمی به مصر در سال ۳۶۲ قمری / ۹۸۳ میلادی، سامان گرفت.^۴

با انتقال خلافت فاطمیان از مغرب به مصر، تمامی اعتبار مذهبی و ساختار سیاسی خلافت فاطمیان، هر چند اندک و محدود، به آن جا منتقل شد. امام خلیفه فاطمی نیز با استعانت از داعی الدعاة و قاضی القضاة متبحر خود، قاضی نعمان، به نشر دعوت اسماعیلیه مبادرت ورزید. در این فرصت به دست آمده، بیش تر عزم محققان و علمای اسماعیلیه برای تبیین و تشریح و تبلیغ رسمی آیین اسماعیلیه جزم گردید. این تلاش بی وقفه، زمانی توانست به بالاترین حد خود برسد و بهترین ثمرات را به بار آورد که کیش اسماعیلیه در تمامی مناطق تحت نفوذ، پیروان متعددی را به خود اختصاص داد و در سرزمین مصر، به عنوان کیش رسمی، مورد اعتنا و اعتبار قرار گرفت. همین روند به پیدایش جامعه‌ی مذهبی اسماعیلیه انجامید و مذهب اسماعیلیه با همه‌ی زوایای خود، در مصر نهادینه شد و توانست به نظم اخلاقی و تبعیتی دینی - هرچند کوتاه مدت - بیانجامد.

اعلان رسمی کیش اسماعیلیه در مصر، ضمن تقویت و تثبیت نفوذ و سیادت مذهبی علما و فقهای اسماعیلی بر همه‌ی ارکان و تشکیلات سیاسی خلافت فاطمیان، رهبریت جامع امام فاطمی را نیز در پی داشت. از این پس اقتدار انحصاری امام فاطمی بر همه جا سایه افکند. در بیش تر منابع این دوره، آثار این تحول عظیم مذهبی و سیاسی و همه گیر شدن سیادت همه جانبه‌ی کیش اسماعیلیه مشهود است. اگر چه در این فرایند هرگز فاطمیان اتباع سنی مذهب خود را مجبور به قبول مذهب اسماعیلی نکردند، اما در نتیجه‌ی تبلیغات وسیع و سازماندهی شده توسط داعیان مبرز و کارآمد، تعداد زیادی به کیش جدید که رنگ و بوی کهن و اصولی خود را کماکان دارا بود، گرویدند. با این توضیح شاید بتوان با یک تقسیم بندی کلی، مهم ترین تأثیرات رسمی شدن این کیش را در دو حوزه‌ی نظر و عمل خلاصه نمود:

تأثیرات رسمی شدن مذهب اسماعیلیه در حوزه‌ی نظر

بی‌شک هر عقیده‌ی مذهبی در حوزه‌ی نظر با آنچه در ظهور عملی از آن مستفاد می‌شود، متفاوت است؛ زیرا عقاید معمولاً در طی گذر از حوزه‌ی نظر به حوزه‌ی عمل، دچار تحول و تقلیل و گاهی دگرگونی می‌شوند. توفیق در عملی کردن آرمان‌های یک عقیده‌ی مذهبی، مستلزم نوعی دلبستگی مجذوبانه و تلاش خالصانه و در نهایت کف نفس و از خود گذشتگی در میان پیروان آن می‌باشد.

دارا بودن خصایص کاریزمایی رهبری نهضت اسماعیلیه و ارتباط تنگاتنگ امام فاطمی با طبقات و اقشار زیرین اجتماعی و آنان که در معرض سیادت کاریزمایی او قرار می‌گرفتند و وجود نوعی سرسپردگی نسبت به امام اسماعیلی، موجب شده است تا تحقق مبانی نظری کیش اسماعیلیه، با سرعت بیش‌تری صورت گیرد. در این میان نقش خداوندان خرد و اندیشه‌ی اسماعیلی و داعیان اندیشمند فاطمی، در اشاعه‌ی فرهنگ و نشر مبانی اعتقادی شیعه‌ی اسماعیلی در میان مریدان و پیروان، بسیار بارز و حایز اهمیت است. از آن‌جا که این جماعت ارتباط تنگاتنگی با پیروان و اقشار عمومی جامعه داشتند، می‌توانستند به انحای مختلف، ضمن تقویت نهضت کاریزمایی اسماعیلیه، اعتقادات این کیش را به مریدان منتقل نموده و ضمن بالا بردن وجاهت کاریزمایی و تقدس امام فاطمی، منزلت رهبر اسماعیلیه را در نزد شیعیان و اتباع بالا ببرند و به امام جایگاهی قدسی و علوی ببخشند.^۵

الف) تأثیرات مذهبی

۱. معنا بخشیدن به موقعیت کاریزمایی امام فاطمی؛^۶
۲. تقویت و تحکیم نفوذ فقهی و علمی اسماعیلیان؛
۳. ایجاد وحدت دینی با طرح مناسک و مراسم مشترک؛^۷
۴. تأسیس و حمایت از بنیادهای دینی و مذهبی، همچون دارالعلم و دارالحکمه؛^۸

۵. پاسخ‌گویی به نیازهای دینی، به ویژه در مجالس تعلیمی و غیر تعلیمی؛^۹
۶. پی‌ریزی ارکان خلافت بر بنیاد اندیشه دینی.

ب) تأثیرات سیاسی

۱. ایجاد و تقویت مشروعیت ائمه فاطمی؛
۲. تضعیف پایگاه مذهبی و سیاسی خلافت عباسیان در بغداد؛
۳. تضعیف پایگاه سیاسی امویان اندلس؛^{۱۰}
۴. ایجاد وحدت میان ارکان سیاسی خلافت فاطمیان؛
۵. محوریت بخشیدن به رهبری یگانه و بلامنازع خلفای فاطمی؛
۶. تقویت کارکرد سیاسی حکومت فاطمیان؛
۷. کاهش فشارهای سیاسی گروه‌های مخالف درونی.

ج) تأثیرات اجتماعی و فرهنگی

۱. ایجاد و طرح ارزش‌های مشترک دینی؛
۲. ایجاد و تقویت حس تعاون و تعامل میان مردم؛
۳. پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی با توضیحات و توجیهات مذهبی؛
۴. گرد آوردن مردم پیرامون کانون دین، به ویژه مذهب اسماعیلیه؛
۵. کنترل رفتار اجتماعی مردم در جهت تحکیم بنیاد سیاسی خلافت فاطمیان؛
۶. ایجاد وفاق ارزشی میان مردم و گروه‌های مذهبی.

تأثیرات رسمی شدن مذهب اسماعیلیه در حوزه‌ی عمل

بنابر آموزه‌های اسماعیلیه، دین ساحتی سلسله مراتبی دارد^{۱۱} و بر همین اساس امام خلیفه‌ی

فاطمی به عنوان برگزیده‌ی خداوند و نایب و جانشین پیامبر اکرم(ص) و وصی او علی(ع)، در رأس هرم قدرت سیاسی آن قرار می‌گرفت. مهم‌ترین تأثیر سیاسی این ساحت سلسله مراتبی، وحدت میان قوای چندگانه‌ی سیاسی، تبلیغی، تبشیری و تعزیری فاطمیان بود، که در رأس آن امام خلیفه‌ی فاطمی به عنوان رکن مذهبی و سیاسی قرار داشت.

از آن‌جا که خلافت امامان فاطمی دارای ابعاد مذهبی بسیار قوی‌ای بود و مبنایی تئوکراتیک داشت، منابع قدرت خلافت نیز در ساختار دینی و سیاسی آنان معنا پیدا می‌کرد. از این رو موقعیت قدرت خلافت شدیداً با کارکرد دینی، پیوند داشت و این ارتباط و پیوند به دلیل وجود مذهب اسماعیلیه بود؛ مذهبی که با مؤلفه‌های قوی، همه‌ی فعالیت‌های سیاسی و غیر سیاسی را تحت نفوذ خود داشت. بنابراین، ساختار سیاسی حکومت تئوکراتیک فاطمیان را می‌توان از دوره‌ی المعز لدین الله (۳۴۱ - ۳۶۵)، چهارمین خلیفه‌ی فاطمی مغرب و نخستین امام خلیفه‌ی فاطمی مصر (۳۶۲ - ۳۶۵ق)، تا پایان خلافت هشتمین خلیفه‌ی فاطمی و هجدهمین امام اسماعیلی، المستنصر بالله (۴۲۷ - ۴۸۷ق) که اقتدار وزرا شکل می‌گیرد، به دو دوره‌ی کلی تقسیم کرد: دوره‌ی نخست از سال ۳۶۲ قمری تا سال ۴۲۷ قمری می‌باشد، که به دلیل متمرکز بودن قدرت نزد امام فاطمی، ساختار سیاسی حکومت از سادگی تشکیلات برخوردار بود و دوره‌ی دوم نیز از سال ۴۲۷ قمری تا سال ۴۸۷ قمری (یعنی پایان خلافت المستنصر بالله) را در بر می‌گیرد. این دوره به دلیل افزایش اقتدار وزرا و تقسیم وظایف اداری، دارای یک نظام توسعه یافته و پیچیده‌ی سیاسی است. تلفیق این دو بخش را می‌توان این‌گونه در نهادهای ذیربط ترسیم نمود:

۱. نهاد امامت؛

۲. نهاد دعوت؛

۳. نهاد قضاوت؛

۴. نهاد وزارت؛

۴- ۱. بخش دیوانی؛

۴- ۲. بخش نظامی.

اگر چه دستگاه اداری فوق العاده متمرکز فاطمیان در دوره‌ی نخست خلافت مصر، چندان پیچیدگی نداشت، اما هرگز نباید آنچه را که ابن کلس و دستیارانش برای خلفای فاطمی به یادگار نهادند، فراموش کرد؛^{۱۲} زیرا تلاش‌های آنان سبب پی‌ریزی اساس تشکیلات اداری و مالی فاطمیان در دوره‌های بعدی شد. مؤسسات و نهادهای وابسته به آنان در طی حکومت فاطمیان توسعه یافت. بسیاری از این مؤسسات به تقلید از عباسیان بنیان نهاده شدند و آن دسته نیز که پیش‌تر ایجاد شده بودند، اصلاح گردیده و یا مورد تجدید نظر قرار گرفتند. دستگاه اداری که در دوره‌ی نخست خلافت فاطمیان مصر، در دارالخلافه یا قصر خلیفه قرار داشت، در دوره‌ی دوم به بیرون از قصر منتقل و از طریق نظام و ساختار دیوانی متمرکزی اداره شد.

از ابتکارات اصیل دولت فاطمی تأسیس نهاد دعوت بود.^{۱۳} نهادی که وظیفه‌ی عمده‌ی تبلیغ و تبشیر و تعلیم کیش اسماعیلیه را بر عهده داشت و تعلیم نوکیشان و افزایش جماعت مستجیبان را در سرلوحه‌ی کار خود قرار داده بود و با ارتباط تنگاتنگ میان نوکیشان و مستجیبان از یک سو و سطوح عالی دعوت تا امام خلیفه‌ی فاطمی از دیگر سو، نقشی کلیدی در اشاعه‌ی آیین اسماعیلیه بر عهده داشت. این روند در عصر خلافت المستنصر بالله (۴۲۷ - ۴۸۷ق)، به دلیل وجود وزیری کارآمد و صاحب درایت چون امیر الجیوش بدر الجمالی (م ۴۸۷ق)، به اوج خود رسید. دستگاه وزارت که تا پیش از این تنها یک واسطه بشمار می‌آمد،^{۱۴} اکنون از اهمیتی فوق العاده برخوردار شده بود و ضمن نزدیکی به جایگاه خلافت، مکانتی ویژه یافت، تا جایی که در برخی موارد نیز از موقعیت وزارت پیشی گرفت و با گرفتن القابی پر مسمی، به عنوان بالاترین مقام قضایی و دینی فاطمیان، مرجع امور شد^{۱۵} و با اخذ لقب وزیر السیف و القلم، اختیارات کامل سیاسی - نظامی به او تفویض گردید که تا پیش از این، هرگز سابقه نداشت. از این پس، وزیر ضمن دارا بودن بالاترین منصب نظامی و اداری، سایر

مناصب دینی و قضایی و سایر مناصب تابعه را نیز اداره می‌کرد. کنترل ارتش، دستگاه اداری، دادگستری و مؤسسات تبلیغاتی، همگی در حیطه‌ی اختیارات وزیر قرار گرفت. اما در سایر موارد پیش از این کماکان وضعیت سایر نهادها مشابه بود و همگی متأثر از مذهب اسماعیلیه، تابع تام و تمام نهاد امامت بودند.

پیامدهای رسمی شدن مذهب اسماعیلیه

با توجه به اهمیت تأثیرات متعدد سابق الذکر، لازم است تا کارکردها و پیامدهای عمده‌ی رسمی شدن مذهب اسماعیلیه را نیز مورد مطالعه قرار داد، تا به یک نتیجه‌ی نهایی نایل آمد. با این توضیح می‌توان این پیامدها را در دو بخش کلی مورد توجه قرار داد:

۱. پیامدهای روانشناختی؛

۲. پیامدهای اجتماعی.^{۱۶}

هرچند به دلیل آمیختگی موضوعی میان این دو، در مواردی تفکیک آنها به دشواری امکان‌پذیر است؛ لیکن تلاش خواهد شد این تقسیم بندی به گونه‌ای صورت گیرد تا بتواند همه‌ی موارد مورد نظر را شامل شود. بدین ترتیب می‌توان زیر مجموعه‌های هر بخش را این چنین شرح داد:

الف) پیامدهای روانشناختی

۱. مذهب اسماعیلیه به عنوان مقوم وجدان فردی، که خود گونه‌ای کنترل شخصی است؛

۲. کمک به توجیه وضع موجود؛

۳. کمک به پذیرش نامطلوب‌هایی مثل فقر، نابرابری و یا حتی بلایای طبیعی؛

۴. ایجاد احساس امنیت در سایه‌ی حاکمیت دینی.

ناگفته پیداست که یکی از مهم‌ترین پیامدهای حکومت دینی به طور اعم و رسمی شدن مذهب

اسماعیلیه بطور اخص، ایجاد وحدت اجتماعی بود؛ زیرا دین از طریق ایجاد و طرح ارزش‌های مشترک می‌تواند بر اعتقادات و اندیشه‌های مردمی، تأثیر گذارد و با سیطره‌ی کامل بر فرد، به تمنیات و خواسته‌های او سمت و سو دهد و به گونه‌ای کنترل شخصی، جامه‌ی عمل ببوشاند و علایق افراد جامعه را به هم نزدیک کرده و نیازهای آنها را پاسخ گوید و تمامی نهادهای اجتماعی را تحت سیطره‌ی کانون دین در آورد. و بدین گونه از راه تحریک وجدان جمعی، به عنوان الگویی متقن، رفتار مردم را هدایت کرده و به طور کلی وفاقی ارزشی میان بخش‌های مختلف پدید آورد و در نهایت همه را به سمت اهداف دینی اسماعیلیه سوق دهد.

در این‌جا اشاره به تئوری ماکس وبر، ضروری به نظر می‌رسد که بیانگر این است که الهامات پیامبرانه یک مذهب می‌تواند به صورت شیوه‌ی زندگی یک گروه اجتماعی مشخص در آید و سپس به جهان بینی عمده‌ی یک تمدن تبدیل شود. برای نمونه آب و هوای گرم و خشک مصر و طغیان‌های دائمی رود نیل و خشک‌سالی‌های پی در پی، شرایط بد زندگی را در این سرزمین فراهم آورده بود.^{۱۷} متأثر از این گونه‌ی آب و هوایی، همواره بیماری‌های گوناگون فصلی و یا قحطی مردم این سرزمین را تهدید می‌کرد.^{۱۸} با این توصیف در بسیاری از دوره‌های تاریخی، این شرایط دشوار زندگی، بر مشکلات سیاسی و اجتماعی مزید شده و اسباب سقوط حکومتی را فراهم آورده بود. برای نمونه در واپسین روزهای اخشیدیان، آنچه توانست ضربه‌ی نهایی را بر پیکره‌ی آنان وارد آورد، نارضایتی مردم از شرایط سخت زندگی و خشک‌سالی عارض شده‌ای بود که حکومت وقت به دلیل درگیری‌های داخلی و خارجی از پاسخ گفتن به نیاز اقتصادی مردم و رفع مشکلات آنان غافل مانده بود.^{۱۹} همین عامل موجبات نارضایتی را در سطح عمومی پدید آورد و دعوت فاطمیان از سوی مصریان بی‌ثمر نماند. از این رو حکومت دینی فاطمیان مبتنی بر کیش اسماعیلیه و کاریزمای ذاتی امام خلیفه‌ی آن، می‌توانست در ایجاد ثبات و آرامش و استقامت مردم در برابر مشکلات مؤثر باشد. از سویی با ابزارهای دینی به توجیه وضع موجود پرداخته و همه‌ی مشکلات و مصایب طبیعی را به

عنوان امتحان و یا خواست الهی مطرح نماید و مردم را منفعلانه به آرامش دعوت کند. اثبات این ادعا با مشاهده‌ی آرامش نسبی مردم به رغم وقوع بلایای طبیعی و خشک‌سالی‌های متوالی مصر در دوره‌ی فاطمیان، آسان‌تر می‌نماید.^{۲۰}

یکی دیگر از کارکردهای حاکمیت دینی اسماعیلیه و امامان فاطمی، وعده اصلاح پدیده‌های نامطلوب اجتماعی چون فقر و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بود که می‌توانست با ابزارهای دینی پاسخ گفته شود. نخستین پیام خلیفه‌ی فاطمی المعز به رنج دیدگان مصری، ایجاد عدالت و گسترش عدل الهی بود.^{۲۱} شعارهای تساوی جویانه با آمدن مهدی موعود محقق می‌شد.^{۲۲} پس امامان برحق و وارثان نبوت آن هم از اهل بیت پیامبر گرامی اسلام(ص) در التیام زخم‌های عمیق مردم می‌توانست مؤثر باشد.^{۲۳}

گرفتن نام مهدی و سر دادن شعارهای مهدویت، وسیله‌ای دو منظوره بود تا هم مساوات طلبان را بر گرد خویش جمع آورند و هم به انگیزه‌های حق‌طلبی و نوید بخشی فاطمیان، جامعه‌ی عمل پوشانند. در این میان نامطلوب‌های طبیعی و اجتماعی چون فقر نیز وجود داشت که تا حدودی حل آن بسیار دشوار می‌نمود. پس در ساحت دین، این دشواری‌ها و نامطلوب‌ها به گونه‌ای توجیه و تفسیر می‌شد که مصیبت‌زدگان از خود بی‌خود نشده و آن را نیز به عنوان امتحان الهی بپذیرند.

در این میان حاکمیت دینی اسماعیلیه به رهبری امام خلیفه‌ی فاطمی از سلاله پیامبر اکرم(ص)، می‌توانست در ایجاد احساس امنیت و گسترش حس مشارکت و اطمینان به صاحبان قدرت، بسیار مفید بوده و حتی در تبیین امتحان الهی نیز تعیین کننده باشد. سلطه‌ی دینی امام فاطمی و حاکمیت تئوکراتیک او، گونه‌ای آرامش الهی را پدید می‌آورد. نگاه متعبدانه‌ی پیروان به رهبری و گوش جان سپردن به فرامین او نیز گونه‌ای امنیت و احساس آرامش توأم با رضای الهی را دارا بود. با این توضیح حاکمیت امامان فاطمی، حاکمیتی موفق می‌نمود.

ب) پیامدهای اجتماعی

در یک بررسی کلی از وضعیت عمومی حکومت فاطمیان، می‌توان کارکردها و پیامدهای اجتماعی رسمی شدن مذهب اسماعیلیه را به بخش‌های ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. مذهب اسماعیلیه به عنوان نیرویی در خدمت جامعه‌پذیر کردن مردم؛
۲. استفاده از نهادهای اجتماعی به عنوان وسیله‌ای برای تغییر رفتار افراد جامعه؛
۳. بنا کردن مجموعه‌ای بزرگ و جا افتاده از مراکز دینی و تعلیمی برای نهادینه کردن مذهب؛
۴. ایجاد زمینه برای آموزش و تعلیم افراد جامعه به منظور ایجاد وابستگی دینی؛
۵. تحکیم پیوند و انسجام و همبستگی گروهی و ایجاد زمینه‌های وحدت؛
۶. استفاده از مجموعه‌ای از مراسم مذهبی مشترک، به منظور تقویت همبستگی گروهی؛
۷. تلاش در جهت بهبود شرایط زندگی مردم؛
۸. پر کردن شکاف‌های موجود میان مردم و رهبر کاریزمایی؛
۹. پر کردن خلأ میان ادعا و عمل رهبر کاریزمایی.

مذهب اسماعیلیه با کارکردی دینی به عنوان نیرویی محرک می‌توانست به جامعه‌پذیر کردن مردم، کمک شایان توجهی نموده و در تغییر رفتار افراد به سمت تحقق اهداف سیاسی و دینی فاطمیان مؤثر باشد. از این رو نظام دینی اسماعیلیه می‌توانست به ایجاد کانون‌ها و نهادهای مذهبی و بنا نمودن مجموعه‌ای بزرگ و جا افتاده از مراکز دینی و تعلیمی، چون جامع الازهر و دارالعلم، ضمن پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی مردم، در تحکیم جایگاه دینی و سیاسی اسماعیلیان و مهم‌تر از آن برای نهادینه کردن مذهب بکوشد. در این راه آنچه می‌توانست در کسب نتیجه‌ی مطلوب‌تر مؤثر باشد، برپایی مراسم و مناسک مشترک دینی بود که در مواقع مختلف اعیاد و یا سوگواری محرم و حتی مراسم درباری ویژه‌ی خلفا، اجرا می‌شد.^{۲۴} این مراسم به نوبه‌ی خود می‌توانست به تحکیم پیوند و انسجام و همبستگی گروهی و ایجاد زمینه‌های وحدت میان مردم بیانجامد. مقریزی در

فصولی مجزا، فهرستی مفصل از اعیاد و مراسم ویژه‌ی فاطمیان را نام برده است^{۲۵} که هر یک به نوبه‌ی خود می‌توانست در تحکیم بنیاد مذهبی جامعه، مؤثر باشد. بنابراین در سایه‌ی سلطه‌ی دینی حاکمیت امامان فاطمی و رعایت سلسله مراتب مذهبی کیش اسماعیلیه، جامعه‌ی مصری که مدت‌ها از بی‌نظمی و هرج و مرج و بی‌ثباتی اقتصادی، رنج می‌برد،^{۲۶} به یک نظم اخلاقی و اجتماعی و حتی سیاسی دست یافت.

اقتصاد پیشرو و تجارت بالنده و پر منفعت، وسیله‌ای برای تبلیغ دعوت فاطمی بود که به شدت تشویق می‌شد. مصر به عنوان مرکز بزرگ معاملات مال التجاره‌ی شرق و غرب عالم اسلامی، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در ایجاد توسعه‌ی اقتصادی در این عصر داشت. شکوه و جلال دربار فاطمی، به سبب رونق صنعت، فزونی یافت و بسیاری از دست‌ساخته‌های مراکز فعال اقتصادی، چون تنیس، دمیاط و اسکندریه^{۲۷} به دورترین نقاط صادر می‌شد. زربافت‌های اسکندریه و حریر و پارچه‌های رنگارنگ قاهره، سود سرشاری را برای دولت فاطمی به همراه داشت. این همه شکوفایی، حکایت از هماهنگی و سازماندهی کامل قوای اداری، لشکری و نهاد دینی تحت زعامت امام فاطمی داشت. گزارش سیاحان و جغرافی‌نگاران این عصر در وصف زیبایی‌های دربار فاطمی و نیز کیفیت پارچه‌ها و تزیینات موجود در انبارهای قصر، تصویری از صنعت بافندگی این سرزمین ارائه می‌دهد.

بی‌شک آنچه توانست به توسعه‌ی اقتصادی مصر فاطمی کمک کند، سیاست اقتصادی و تجارت پر منفعت فاطمیان بود. بخشندگی خلفا، نشان از رونق اقتصادی دربار فاطمیان و انباشتگی خزانه‌ی حکومتی داشت. همین سیاست خاص، موجب شد تا همه‌ی بخش‌های اقتصادی مصر، کار و سفارش امام فاطمی را با میل و رغبت انجام دهند.^{۲۸}

عدالت، سخاوت و توجه امام فاطمی به معیشت صنعت‌گران، زمینه‌ی رفاه عمومی را فراهم آورد و همین خود مشوق هنرمندان و مبدعان این عصر بود تا آنان آثار متعدد و بدیعی را از خود برجای نهند. معماری، شهرسازی و تجهیزات و تزیینات متعلق به قصرهای خلیفه و دولت‌مردان بلند پایه،

موجب شگفتی سیاحان و مورخان معاصر فاطمیان شده است که از قاهره و شهرها و بنادر بزرگ مصر دیدن کرده‌اند. برای نمونه دیده‌های ناصر خسرو قبادیانی که شوق دیدار امام فاطمی به مصر رهنمونش کرده بود، گویای دولتی موفق، مردمی مرفه و سلطانی عادل و کریم بود که مردمان در سایه‌ی حکومت او در آسایش و نعمت به سر می‌بردند.

شایان ذکر است یکی دیگر از اقدامات فاطمیان در راه ترویج کیش اسماعیلیه، تأسیس نهادهای تعلیمی بود، که ساخت و تجهیز این‌گونه اماکن عام المنفعه در دستور کار فاطمیان قرار داشت. به دلیل اهمیت والای تعلیم و تربیت در آموزه‌های اسماعیلیه، هرگز تشکیل حکومت در مصر، آنان را از امر دعوت باز نداشت؛ بلکه با عزمی جزم نهادهای علمی چند منظوره‌ای را در مصر پی‌ریزی کردند. در این میان یکی از مهم‌ترین عواملی که به گسترش مذهب اسماعیلیه کمک قابل توجهی کرد، بنای مسجد الازهر بود که اندکی بعد از فتح مصر، در جمادی الاول سال ۳۵۹ قمری شالوده‌ی بنای آن نهاده شد و با تلاش و پی‌گیری، پس از دو سال و اندی اتمام یافت. البته در فرایند تکمیل آن، همه‌ی خلفای فاطمی نقش مهمی ایفا کردند. برای نمونه العزیز بالله (۳۶۵ - ۳۸۶ق) مرکز علمی مهمی را به آن افزود که پذیرای طالبان علم از نقاط دور بود. این بنای عظیم اسلامی به عنوان یکی از نهادهای بزرگ علمی و مذهبی و کانون معنوی و عقلانی جهان اسلام، نقش مهم و قاطعی در رواج و گسترش کیش اسماعیلیه داشت.

اهتمام خاص علمای فاطمی در راه‌اندازی مجالس وعظ و خطابه و یا حلقه‌های علمی جامع الازهر، موجب شد تا این مرکز در مدت زمانی کوتاه مکانت علمی خود را یافته و کانون توجه دانش‌جویان و علمای وقت گردد.

پی نوشت‌ها:

۱. عبدالرحمن بن محمد بن عثمان، السیوطی، حسن المحاضرة، ج ۲، ص ۲۰.
۲. تقی‌الدین احمد بن علی، المقریزی، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۱۸۰؛ جمال‌الدین علی بن ظافر، اخبار الدول المنقطعه، ص ۲۳.
۳. امین محمد طلیح، اصل الموحدون الدرروز و اصولهم، ص ۵۲.
۴. همان، ص ۵۴-۵۵.
۵. المقریزی، همان، ج ۱، ص ۱۰۳.
۶. بر این اصل در بیش تر کتاب‌های فقهی و کلامی اسماعیلیه و حتی منابع تاریخی این دوره تأکید شده است.
۷. ابن الطویر، نزهة المقلتین، ص ۳۴۰-۷۶-۱۷۷-۲۱۶، ۲۲۳-۲۲۴ و
8. Paul E. Walker, Fatimid Institution of Learning, 1997, Journal of the American Research Center in Egypt, 34, 99179-200.
۹. ببینید کتاب القاضی النعمان، المجالس والمسایرات و یا کتاب المجالس المؤیدیه نوشته‌ی المؤید فی‌الدین شیرازی که سراسر حکایت از مجالس تعلیمی داعیان اسماعیلی دارد.
۱۰. القاضی النعمان، همان، ص ۱۱۶-۱۶۸-۱۶۹.
۱۱. الکرمانی، راحة العقل، ص ۲۵۱-۲۵۲.
۱۲. ل. ا. سیمینوفا، تاریخ مصر الفاطمیة، ص ۶۶-۷۵-۷۶.
۱۳. المقریزی، همان، ج ۲، ص ۲۶۰.
۱۴. الفلقشنندی، صبح الاعشی، ج ۹، ص ۴۲؛ الماوردی، الاحکام السلطانیة، ص ۲۷.
۱۵. المقریزی، همان، ج ۲، ص ۳۴۶.
۱۶. این‌گویی است که در سلردر بررسی کارکرد دینی ارائه داده است برای اطلاع بیش تر ببینید: Dressler, David. Sociology, Third edition 1967. New York Alfred A. Knof, Hall, PP. 316-322.

١٧. ابن دقماق، *الجواهر الثمین*، ص ٢١٠.
١٨. احمد السيد الصاوی، *مجمعات مصر الفاطمية اسباب ونتائج*، ص ٣٠.
١٩. ابن زولاق، *تاریخ مصر وفضائلها*، ص ٧٨؛ *النجوم الزاهرة*، ج ٤، ص ٩؛ *قلقشندی، صبح الاعشى*، ج ٣، ص ٣٩٣.
٢٠. عبدالمنعم ماجد، *ظهور خلافة الفاطميين وسقوطها*، ص ٣٦٦-٣٦٧.
٢١. ابن میسر، *اخبار مصر*، ص ٤٣-٤٤.
٢٢. القاضي النعمان، *شرح الاخبار*، ج ٣، ص ٣٥٨-٣٥٣.
٢٣. القاضي النعمان، *افتتاح الدعوة*، ص ٦٦؛ *همو، شرح الاخبار*، ج ٣، ص ٣٩٠.
٢٤. ابن مأمون البطائحي، *نصوص من اخبار مصر*، ص ٨١-٨٥؛ *المقریزی، همان*، ج ٢، ص ٤٣٦.
٢٥. المقریزی، *همان*، ج ٢، ص ٤٣٦-٤٤٥.
٢٦. ابن زولاق، *همان*، ص ٧٦-٧٨؛ *ابن دقماق، همان*، ص ٢٠٠.
٢٧. ناصر خسرو، *سفرنامه*، ص ٦٤-٦٥.
٢٨. همان، ص ٦٦.

منابع:

- ابن تغری بردی الاتابکی، جمال الدین ابی المحاسن یوسف، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة* (وزارة الثقافة والارشاد القومي، المؤسسة المصرية العامة للتأليف والترجمة والطباعة والنشر، بی تا)
- ابن دقماق، ابراهیم بن محمد، *الجواهر الثمین فی سیر الخلفاء والملوک والسلاطین*، تحقیق سعید عبدالفتاح عاشور، مراجعه احمد السيد دراج (المملكة العربية السعودية، مركز البحث العلمي، بی تا).
- ابن زولاق، *تاریخ مصر وفضائلها*، تحقیق دکتر علی عمر (مكتبة الثقافية الدينية، ٢٠٠٢).
- ابن الطویر، ابو محمد المرتضی عبدالسلام بن الحسن القیسرانی، *نزهة المقلتين فی اخبار*

الدولتين، اعاد بنائه و حققه و قدم له ايمن فواد سيد (بيروت، دارالنشر فرانتس شتاينز شتوتغارت، دار صادر، ۱۹۹۲).

- ابن ظافر، جمال الدين على، اخبار الدول المنقطعه، مقدمه و تعقيب اندريه فريه (القاهره، مطبوعات المعهد العلمى الفرنسى للأثار الشرقيه، ۱۹۷۲).

- ابن مأمون البطائحي، امير جمال الدين ابو على موسى، نصوص من اخبار مصر، تحقيق ايمن فواد سيد (القاهره، المعهد العلمى الفرنسى للأثار، بى تا).

- ابن ميسر، محمد بن يوسف بن جلب، اخبار مصر، اعتنى بتصحيحه هنرى ماسيه (القاهره مطبعة المعهد العلمى الفرنسى، ۱۹۱۹).

- امين، محمد طليح، اصل الموحدون الدرروز واصولهم، قدمه محمد ابوشقرا عرفه مارون عبود (بيروت، دارالاندلس ومكتبة البستاني، ۲۰۰۱).

- السيد الصاوى، احمد، مجاعات مصر الفاطمية اسباب ونتايج (بيروت، دار التضامن، ۱۹۸۸).
- سيمينوفا، ل. ا، تاريخ مصر الفاطمية، ترجمه و تحقيق حسن بيومى (بى جا، المجلس الاعلى للثقافة، ۲۰۰۱).

- السيوطى، عبدالرحمن بن محمد بن عثمان، حسن المحاضرة فى اخبار مصر والقاهرة، وضع حواشيه خليل المنصور (بيروت، منشورات محمد على بيضون، دارالكتب العلميه، ۱۹۹۷).

- الشيرازى، المؤيد فى الدين هبة الله، المجالس المؤيدية، تحقيق و تقديم مصطفى غالب (بيروت، دارالاندلس، بى تا).

- التميمى المغربى، القاضى النعمان بن محمد، شرح الاخبار فى فضائل النبى المختار وآله الاخبار من الاثمه الاطهار عليهم السلام (بيروت، منشورات دارالثقلين، ۱۹۹۴).

_____، افتتاح الدعوة (بيروت، دارالاضواء، ۱۹۹۶).

_____، المجالس والمسائرات، تحقيق الحبيب الفقى

وابراهيم شيوخ و محمد يعلاوى (التونس، مطبعة الرسمية للجمهورية التونسية، ۱۹۷۸).

- قباد يانى، حميد الدين ناصر خسرو، سفرنامه، به كوشش محمد دبیر سياتى (تهران، كتابفروشى

زوار، ١٣٥٧ش).

- القلقشندی، احمد بن علی، *صبح الاعشى و صناعة الانشا*، شرح و علقه علیه و قابل نصوصه محمد حسین شمس الدین، (بیروت، دارالفکر، بی تا).

- الکرمانی، حمید الدین، *راحة العقل*، تقدیم و تحقیق مصطفی غالب (بیروت، دارالاندلس، ١٩٨٣).

- ماجد، عبدالمنعم، *ظهور خلافة الفاطميين وسقوطها في مصر التاريخ السياسي* (الاسکندریه، دارالمعارف بمصر، ١٩٧٦).

- الماوردی، ابی الحسن علی بن محمد، *الاحکام السلطانية* (بیروت، دارالفکر، بی تا).

- المقریزی، تقی الدین احمد بن علی، *المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار*، وضع حواشیه خلیل المنصور (بیروت، منشورات محمد علی بیضون، دارالکتب العلمیة، ١٩٩٨).